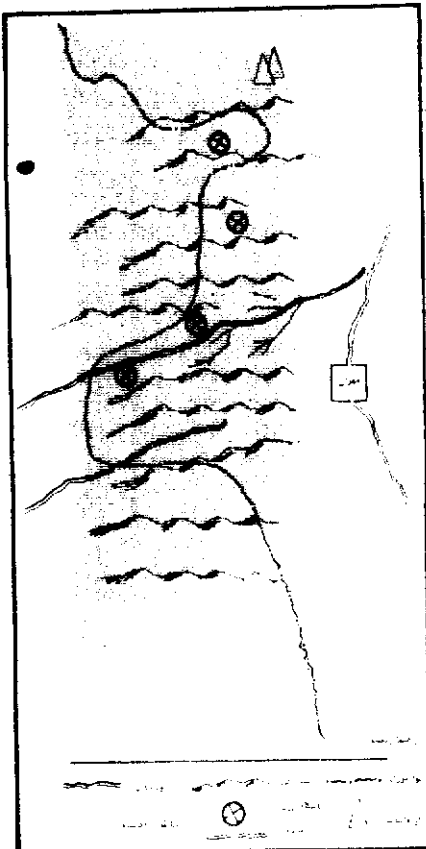


# عملیات والفجر ۳ و ۲ قدرت اسلام تجلی

## جهادبازوی پرتوان سپاه اسلام



می گردد، تصمیم گرفتیم ضمن تقدیر از تمامی رزمندگان سپاه اسلام تنها به یک بعد از این عظمت آفرینی ها اشاره ای کوتاه داشته باشیم.

### عملیات والفجر ۲

«عملیات والفجر ۲» که در محور پیرانشهر (تبرچین) قمطره در شمال غربی کشور مدتی پیش شروع و هم اکنون هم ادامه دارد سه محور در یک لحظه شروع و کفرستیزان به لشکر زیون عراق از دل کوهها و شیارها تاخند و ظرف چند ساعت موفق شدند مهمترین پایگاههای دشمن را به محاصره و یا تصرف خود درآورند. بلحاظ کوهستانی بودن محورهای عملیات، ایجاد راههای مواصلاتی و تدارکاتی و ایجاد خاکریز در قبل و حین عملیات از مهمترین و حساسترین کارها شمرده می شود که برادران جهادگر این مسئولیت سنگین را پذیرفته و بحق هم توانستند در اجرای آن موفق باشند.

منطقه عملیاتی که از شهر پیرانشهر در آذربایجان غربی شروع و ارتفاعات ۲۹۰۰ متری «قمطره» و ۲۳۸۰ متری «تبرچین» را دربر می گرفت در حوزه هایی قرار داشت که ضد انقلاب

کوهستانی شمال غربی کشور و در منتهی الیه جبهه های نبرد حق علیه کفر پیشگان صدامی موفق شدند ارتفاعات مهمی را که تا حدود ۳۰۰۰ متر ارتفاع داشتند را آزاد نمایند.

عملکرد تمامی رزمندگان در حدی بود که برای توصیف هر کدام نیاز به گفتنی های بسیار دارد هر چند عظمت کار این عزیزان در قالب کلمات نمی گنجد، اما بلحاظ اینکه عملکرد برادران جهادگر همواره با بسایش رزمندگان و با تنها دردل کوهها و دشتها مشغول کار و فعالیت هستند کمتر منعکس

**\* امید است همانگونه که تاکنون الطاف الهی شامل حال ما شده است و رسالت نابودی دشمنان خدا به ما سپرده شده است در شکر از این نعمت عظمی کوشا باشیم**

بسم الله الرحمن الرحيم

لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظيم  
محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار  
رحماء بینهم

براستی این پارسایان شب را شایسته است این گونه اعجازها بیافرینند و اینان هستند که نهایتاً شهادت را دارند که بلکه شهادت، لیاقت اینان را دارد. بار دیگر برادران رزمنده و عزیز ما اینثارگرانه حسانه ای دیگر آفریدند و ضربه مهلک دیگری بر پیکره پوسیده و بهم ریخته رژیم فاسد بعث عراق فرود آوردند که این ضربه بقدری سهمگین بود که اربابان شرقی و غربی صدام را هم بی نصیب نگذاشت. رزمندگان عزیز، رزمندان بیروز و غرمان راسخ، که راهی طولانی در پیش دارید و باشد که این پرچم خونین و پرافتخار غرور آفرین را به صاحب اصلیش برای اصلاح امور تمام مستضعفین بسپارید.

برادران رزمنده ما، مشکل از ارتش، سپاه، بسیج، جهاد و... بار دیگر وحدت غرور آفرین خود را در «عملیات والفجر ۲» منسلوب ساختند و با انجام عملیات در یکی از حساسترین مناطق

وابسته به استکیار جهانی آنجا را میدان تاخت و تاز خود قرار داده بود، لذا از مدتی قبل از عملیات که طرح آن ریخته شده بود برادران جهادگر که عمدتاً رانندگان عزیز لودر و بلبوزر و... بودند با وجود خطراتی که از جانب ضد انقلاب آنان را تهدید می کرد شروع به احداث جاده نمودند و با فعالیتهای شبانه روزی خود مقدمات عملیات را فراهم ساختند. آنان در طول مدت کوتاهی توانستند جاده های مهمی برای تدارکات و حمل و نقل مهمات به ارتفاعات احداث نمایند. نکته قابل توجه این مسئله است که تا قبل از ورود جهاد به این منطقه بطور کلی کوههای بلند و صعب العبور این مناطق فاقد هرگونه جاده ارتباطی بودند و برای حمل و نقل مهمات و مجروحین مشکلات عدیده ای گریبانگیر رزمندگان بود که گاهی ساعتها پیاده و یا با قاطر مجبور به تردد در این مناطق بودند.

جهاد فارس و گروه ضربت جهاد سمنان و بعداً جهاد قم که در این عملیات کارهای مهندسی رزمی عملیات را بعهدہ داشتند در سه محور فعالیتهای خود را متمرکز کرده بودند. یکی محور «قمطره» دیگری محور وسط که جاده شنی مرزی بود که به «رواندوز» عراق ختم می شود و محور سمت چپ «تمرچین» بود در مجموع تمام این محورها فاقد جاده های ارتباطی قابل استفاده بودند یعنی در محور «تمرچین» که در دل کوهها و سنگها قرار گرفته بود چیزی به نام جاده وجود نداشت و تمام این رفت و آمدها با قاطر و یا پای پیاده انجام می گرفت. محور «قمطره» هم دارای یک جاده تابستانی فوق العاده خراب بود که فقط ماشینهای کمک دار، آنهم با زحمت زیاد قادر به تردد تاقه بودند و محور وسطی یا جاده شنی هم که همان جاده مرزی و بین السللی بود قدیمی و اشکالات فراوانی بلحاظ فنی داشت که در هنگام عملیات آن جاده مرمت شد و جاده «قمطره» و «تمرچین» را لازم بود در حین عملیات احداث کنند که با یاری خدا و همت برادران جهادگر در مدت کمی موفق به احداث آنها شدند.

در یکی از محورها در حین عملیات می بایست جاده ای احداث می شد که برادران رزمنده را به پشت دشمن در یکی از پایگاههای داخل خاک عراق برساند که جهادگران ظرف ۸ ساعت توانستند با اینکه در دید مستقیم دشمن بودند با هدیه چند مجروح به پیشگاه امام زمان (عج) محور را تکمیل کنند. در محور دیگری هم که باز به یک پایگاه

**\* سپاهیان اسلام با انجام عملیات والفجر ۲ در یکی از صعب العبورترین مناطق کوهستانی شمال غربی کشور ارتفاعات مهمی را که تا حدود ۳۰۰۰ متر ارتفاع داشتند، آزاد کردند.**

**\* جهادگران ظرف ۸ ساعت توانستند با اینکه در دید مستقیم دشمن بودند با هدیه چند مجروح به پیشگاه امام زمان (عج) جاده ای را احداث کنند که به پشت دشمن ختم می شد.**

اسلام اینبار نیز مورد لطف و رحمت خاص خداوند قرار گرفتند و این پیروزیهار را برای تعالی اسلام در آغوش دارند، امید است همانطور که امام عزیز فرمودند ما این پیروزیهار را لطف خداوند دانسته و مدیون خون شهدای عزیزمان بپنداریم که باعث نشود ذکر خدا را از یاد ببریم.

باشد که با ضربات نهایی سپاه اسلام پیکره پوسیده کفر جهانی از هم پاشیده گردد. هجرت بجا خواهد بود از زحمات طاقت فرسای هوانیروز و ارتش جمهوری اسلامی نامی برده شود و مراتب تقدیر ملت مسلمان را از این تیز پروازان و ایثارگران نستوه یادآور شویم.

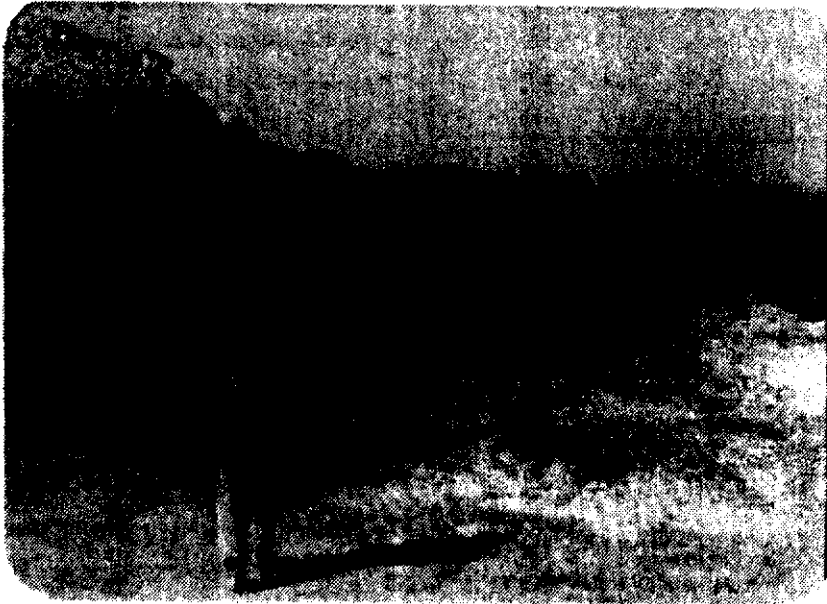
بقیه در صفحه ۶۲

بزرگ دشمن ختم می شد و بسیار حساس بود جهادگران در مدت ۲ ساعت کار بدون وقفه توانستند این جاده بسیار مهم و حیاتی را احداث نمایند که وقتی فرماندهان نظامی از آماده شدن آن جاده مطلع شدند انجام این کار را معجزه ای بیش ندانستند. رزمندگان سپاه اسلام با بهره برداری از این جاده یک پایگاه بزرگ دشمن را تصرف کرده و تجهیزات نظامی از جمله تانک و توپ ۱۰۶ را وارد میدان نبرد نمودند.

یکی از کلوهای دیگر سربازان جهادگر احداث ۲۰۰ متر خاکریز در دید دشمن بود که برادران رزمنده را در حین نمودن پاتکههای دشمن بسیار یاری نمود.

در مجموع برادران جهادگر و دیگر رزمندگان

## عملیات والفجر ۳



شروع عملیات والفجر ۳ همزمان با عملیات والفجر ۲ نشانگر عمق عظمت و قدرت لشکریان اسلام است و اهمیت این موضوع وقتی محسوس است که محورهای عملیاتی والفجر ۳ را در جنوبی‌ترین جبهه های غرب کشور مشاهده می‌کنیم.

علیرغم ادعای پوچ صدام که اظهار به عقب‌نشینی از خاک کشور اسلامی ما را می‌نمود نقطه شروع عملیات از داخل خاک ایران در مهران و با اهداف نابودی دشمن در منطقه و تصرف نقاط استراتژیک آغاز شد. قدرت و تحرک سپاهیان اسلام در این عملیات بقدری شدید بود که با اینکه سه لشکر مدرن و مکانیزه عراق در منطقه صف آرایی نموده بود، تاب تحمل و مقاومت در آن سنگرهای محکم را برای چند ساعتی هم پیدا نکردند. برادران رزمنده موفق شدند در یک شب تاریک، آنچنان نوری بیافرینند که دیده‌گان خسته و رنجور مستضعفان جهان به این نور روشن گردید و امیدهای آنان را زنده کرد و این توانایی را یافتند که چشم انداز عظیم پیروزی برادران خود را در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل بنگرند.

در شمال شرقی مهران دنیانه ارتفاعات «کانی سخت» و در جنوب و جنوب غربی ارتفاعات «قلعه آویز» و بین این دو، جاده «ایلام - مهران» و از طرفی «مهران - دهران» عبور می‌کند. و از جانب دیگر رودخانه «کنجانچیم» وارد این دشت شده و به خاک عراق سرازیر می‌گردد و در سن این دشت شهر مهران قرار دارد نیروزهای یعنی عراق در دنیاله ارتفاعات «کانی سخت» و «قلعه آویز» که مشرف به مهران است مستقر بودند و در قله معروف «کله قندی» تأسیسات و پایگاه مهمی را احداث نموده بودند. سپاهیان اسلام با هماهنگی کامل در لحظه موعود یورش خودشان را به قلب مواضع کفرپیشگان آغاز نمودند که جهادگران هم در این خیل عظیم توانستند. در پیشگاه خدای حضرت مهدی (عج) دین خود را به اسلام قرآن ادا نمایند در اینجا در نظر داریم فعالیتهای این سنگرزنان بی‌سنگر را در قالب کلماتی هرچند نارسانا بیان بنماییم. باند که اجر همه رزمندگان و همه کسانی که بنحوی به اسلام و مسلمین کمک می‌کنند و خواهان تعالی جبهه حق هستند خدایشان مرحمت فرماید.

شروع و بطرف مهران که تقریباً نیمه کوهستانی می‌باشد بایستی کشیده می‌شد تا جانپناهی برای رزمندگان باشد. با اینکه این کار بسیار مشکل بود اما چون در فرهنگ جهاد مشکل معنائی ندارد برادران موفق شدند در شب اول عملیات مقدار زیادی از این خاکریزها را آماده نمایند.

در ادامه عملیات والفجر ۳ در قسمت جنوب غربی مهران که نزدیک ارتفاعات «قلعه آویز» بود برادران جهادگر موفق شدند حدود ۴ کیلومتر خاکریز

جهادگران با ایجاد جاده های دسترسی (جاده هانی که در دل کوهها؛ دره ها احداث می‌شود که به قلب مواضع دشمن ختم میگردد) امکانات مقدماتی عملیات والفجر ۳ را فراهم نمودند.

جهادگران ستادهای استان تهران - خراسان - یزد، مهندسی رزمی عملیات را بعهدہ گرفته و چه قبل از عملیات و چه در حین عملیات فعالیت‌های قابل ملاحظه و مسئولیتهای حساسی را در اجرای عملیات داشتند.

**\* یکی از مهمترین کارهای جهاد احداث اورژانس بسیار بزرگ در نزدیکی مهران است که در واقع یک بیمارستان صحرائی می‌باشد و در زیر زمین احداث شده است.**

لازم بود برادران جهادگر در حین عملیات خاکریز مهمی را احداث میکردند که بعد از عقب زدن دشمن از ارتفاعات کانی سخت راه نفوذی شیارهای منتهی به دشت را سد نمایند و امکانات سرکوبی دشمن و تظاهر به پاتک آنها را خنثی نمایند. این خاکریز از پشت پاسگاه دراجی عراق

**\* در ادامه عملیات والفجر ۳ در قسمت جنوب غربی مهران که نزدیک ارتفاعات «قلعه آویز» بود جهادگران موفق شدند حدود ۴ کیلومتر خاکریز احداث کنند.**

احداث کنند که تمام فرماندهان قبل از شروع عملیات برای احداث این خاکریزها اهمیت ویژه‌ای قائل بودند و برای توفیق جهادگران دعا میکردند که الحمدلله در فاصله کوتاهی این عمل نیز انجام شد. یکی دیگر از مهمترین کارهای جهاد احداث بقیه در صفحه ۶۱

شهر شهادت برد. «قد افلح من زكيتها و قدخاب من دسيها...» به تحقيق رستگار شد آنكس كه جان را مصفا نمود و بتحقيق زيانكار شد آنكس كه جان را آلوده كرد.

والسلام

## عمليات والفجر...

اورژانس بسيار بزرگ در نزديكي «مهران» است كه در واقع يك بيمارستان صحراني مي باشد كه ۱۰۰۰ متر زير بنا و مجهز به ۴ اتاق عمل و بانك خون و آزمايشگاه و... است كه با فولاد و در زير زمين احداث شده است اين بيمارستان عامل مهمي در نجات جان برادران رزمنده ما بود.

البته در اين عمليات مسئوليت مهندس رزمي بعهده برادران جهادگر بود كه برادران مهندس رزمي سپاه هم تحت پوشش برادران مسئوليتهايي را بعهده داشتند كه بحمدالله آنان نيز با تقسيم كاري كه قبل از عمليات شده بود در انجام مسئوليتهاشان موفق بودند. از خداوند توفيق هرچه بيشتر سپاهيان اسلام و برادران سنگرزاز بدون سنگر را مسئلت داريم و اميد است اين ضربات سهمگين همانگونه كه بر شيطان برون وارد آمد برادران رزمنده در نابودي شيطان درون و وجودي خويش فاتح آيند كه سعادت بزرگ در اين است.

در ادامه عمليات والفجر ۳ سپاهيان اسلام موفق گرديدند با بهره گرفتن از امدادهای غيبي و الهام از فرماندهي كل قوا ضربات خردكننده‌اي بر لشكريان صدامي وارد بياورند و منطقه وسيعي را از خاک كنور اسلامي آزاد و رژيم بعثي صهيونيستي عراق را به مرگ حتمي نزديكتر گردانند.

اميد است همانگونه كه تا كنون الطاف الهي شامل حال ما شده است و رسالت نابودي دشمنان خدا به ما سپرده شده در شكر از اين نعمت عظمي كوشا باشيم.

والسلام



## از كمپ ديويد ...

و اشتياق اعراب بيش از هر زمان براي صلح با اسرائيل به منصفه ظهور ميرسد و «فهد» بعنوان يك مبتكر صلح بمشابه ناجي فلسطينيان قدم بميدان ميگذارد.

البته در رابطه با مسئله فلسطين اينطور برداشت نشود كه فلسطينيان بازيچه‌اي بيش در دست معامله گران مرتجع عرب و چپاولگران غربي نيسند. بلكه بنظر ما امروز غالب رهبران «ساف» به اين نتيجه رسيده اند كه فعلا باز پس گيري سرزمين فلسطين از چنگ صهيونيستهاي غاصب روياني بيش نيست و در افق آينده نيز چنين چيزي قابل رويت نمي باشد چه آنكه، رهبران جنبش آزاديبخش فلسطين با نگاهی به سالهاي طولاني آوارگي و پشت سرگذشتن جنگهاي متعدد اعراب با اسرائيل در طی سالهاي ۵۶،۴۸، ۷۳،۶۷ و همچنين جنگهاي خود با اسرائيل در سالهاي ۷۶ و ۸۲ در لبنان كه نتيجه همگي آنها شكست و در نهايت به سود اسرائيل تمام شده است، به اين نتيجه رسيده اند كه گريزي جز تن دادن به موجوديت اسرائيل بعنوان يك کشور در منطقه خاور ميانه و در عوض تشكيل يك حكومت فلسطيني در کرانه غربي روداردن و نوار غزه - البته در صورت امکان - ندارند. لذا در منطق رهبري كنوني اينطور تحليل ميشود كه، حالا كه آمريكا بنا بر ضرورت نيازمند فيصله دادن به مسئله فلسطين است، چرا از اين موقعيت استفاده نكنيم و فلسطين كوچك را بدست نياوريم؟

بهر ترتيب طرح فهد كه مولود شرايط جديد منطقه است، مقرر ميشود جهت بحث، تصويب و اجراي آن در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ در «فاس» مراکش به مذاکره گذاشته شود.

### ✽ شكست کنفرانس «فاس»:

کنفرانس «فاس» در تاريخ معين شده برگزار ميشود، ليکن پس از گذشت ۴ ساعت از جلسه کنفرانس با شكست روبرو ميگردد و منحل ميشود چرا كه، سوريه بعنوان كسوري كه داري خط مقدم جبهه برعليه اسرائيل است و با فلسطينيان ارتباط گسترده دارد و قسمتي از سرزمين آن نيز در اشغال اسرائيل ميباشد، اين کنفرانس را تحريم ميكند. البته «اسد» بعدا طی يك مصاحبه موضع خود را تغيير

ميدهد و اعلام ميكند كه طرح «فهد» از نقاط مثبت برخوردار است و ميتوان آنرا بوسيله گفتگوي بيشتر به طرح موفقتر تبديل كرد و... ايران نيز موضعي سخت برعليه کنفرانس اتخاذ ميكند.

بفاصله كمی از شكست «فاس» بلنديهاي جولان در شمال سوريه كه تا اين موقع در اشغال اسرائيل بود رسما به ديگر سرزمينهاي اشغالي ملحق ميگردد. در آنموقع گفته شد الحاق بلنديهاي جولان به اسرائيل پاسخ به ترمز سوريه از شركت در کنفرانس «فاس» بوده است. شايد هم اسرائيل موقعيت را مناسب تشخيص داده بود و از افتراق اعراب و عدم آمادگي آنان جهت مقابله سود جسته و چنين حركتي را انجام داده باشد. در برابر الحاق بلنديهاي جولان «اسد» كاري جز شكايت بردن به سازمان ملل انجام نميدهد. ادامه دارد -

## بي بال همچو باد....

داشت؟ جرأت نكردم كه اين سنوال را رك و پوست كنده از او بكنم، اگر مي پرسيد هم جوابش معلوم بود: نگاهی سرد يا دو كلمه سر بالا.

خاک را آزمایش كردم. بعيد بنظرم رسيد كه جواب سنوالم را بدانم چنان مشغول بود كه حتى جواب سلامم را هم نداد. مابقي آسمان هم محور نور صورت خورشيد بود. بخودم زحمت بيوده ندادم.

آنقدر در درون خود كاوش كردم و آنقدر به اين و آن متوسل شدم كه بالاخره نسيمي از راه رسيد دامنش را گرفتم. خود را رها كرد. به پايش چسبيده گفتم آخر جوابم را بده.

اگر چه نسيم نگاهی مهربان داشت اما او هم حاجتم را بر نياورد. تنها دستي به دعا برداشت و بعد آرام به راه خود ادامه داد. اندكي روي خاک مرا با خود كشيد و بالاخره تنه‌اي گذاشت و رفت.

انفعال عجيبی بود. گفتم خدايا! آخر می خواهم بدانم.

اما فرجی حاصل نشد، و نشد و نشد. تا آنكه روزها بعد در شهر. باز ياد چهره آن پسرک اهل قسا اقدام همان دعای گذشته را دانست می خواند. منتهی اين بار بلندتر. اين بار خود را ملامت می كرد. می گفت ای پسرک ۱۶ ساله اهل قسا صبر كن. صبر كن همین موقع ها - وقتی كه آسمان و زمين بر انسان هجوم می آورند - به سر می زند.

آقا به سر بازانش سر می زند. رضوانی